



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۱/۲۲

پوهاند بشیر احمد زکریا

ترجمه: رحمت آریا

تصادم دیموکراسی ها و اتوکراسیها

(قسمت بیست دوم)

«تاریخ پنهان الیگارشی امریکایی: باز پس گیری دیموکراسی ما از طبقه حاکم» (۲۰۲۱)

نکات عمده: «تامس کارل هارتمن» [1] یک شخصیت رادیویی امریکایی، نویسنده، روان درمانگر سابق، تاجر و مفسر سیاسی مترقی است. وی در کتاب خود به اوج فوران بحران الیگارشی مربوط به وبای کوید - ۱۹ می پردازد. [2] «هارتمن» معتقد است که این وبای کشنده باعث شد تا میلیون های امریکایی با ورشکستگی مواجه شوند، برای پرداخت قروض و اجاره خانه های شان مبارزه کنند، در حالی که «تعدادی از الیگارشی ها در داخل و خارج از قصر سفید ترمپ سود جویی کردند و کسب قدرت عظیمی را مهندسی کردند». «هارتمن» معتقد است که فوران الیگارشی عمدتاً توسط «چارلس دیوید کخ» زمانی آغاز شد که وی در سال ۱۹۸۰ با استفاده از «تکت لیبرترین» کاندید معاونیت ریاست جمهوری شد. «هارتمن» بیش از ۲۸ جلد کتاب نوشته است که عمدتاً بر روی «استبداد الیگارشی یا ظلم یک دیکتاتور» تمرکز دارد که از روش ملایم دیموکراسی سو استفاده می کنند. ما از شکم نرم دیموکراسی آگاه استیم که به دشمنان خود، دیکتاتور ها و ظالمان اجازه میدهد تا روده های آنها بصورت مکمل بیرون در آورد، درست همان کاری را که «جولیس سیزار» قیصر روم به جمهوریت روم کرد و باز در «رایش سوم» در آلمان توسط هیلتر تکرار شد! نویسنده متعجب است که چرا سقراط، افلاطون، ارسطو، جان سٹیوارت میل، مونتسکیو و روسو نتوانستند راه ها و ابزار برای توقف خشم انارشیت ها یا نارضایتی شهروندان بی حقوق بیابند که به قدرت های جاه طلب خارجی اجازه دخالت در امور داخلی کشور های شان را میدهند و بدین ترتیب آن دیموکراسی های را ضعیف می سازند که کار میدهند؟ امروزه آنچه بیش از هر چیز دیگر دیموکراسی ها را تهدید می کند، الیگارشی دیموکراسی های نماینده نیست، بلکه «اصول دیموکراسی» است که خود کامه ها، مستبدان و دیکتاتورهای قدرت های بزرگ و یا کوچک، دیموکراسی را یک ایدیالوژی غیر قابل نفوذی می دانند که هرگز نمی توان آن را با نیروی پولیس و یا قوت های مسلح اردو حذف کرد. قدرت واقعی دیموکراسی امریکایی قدرت نظامی و اقتصادی آن نیست، بلکه مفهوم دیموکراسی آن با داشتن آزادی انتخاب است! که زندگی و آزادی توسط خالق به بشر اعطاء شده است که آنها را قادر می سازد تا از اراده آزاد خود به عنوان عنصر ذاتی خلقت خود استفاده کنند. به همین

1 - Thomas Carl Hartmann

2 - Hartmann, Thom. *The Story of American Oligarchy: Reclaiming Our Democracy from The Ruling Class*. Berrett-Koehler Publishers, Inc. 2021.

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

دلیل است که انسان همیشه فریاد خواهد زد که " بودن، در آزاد بودن است." و " یا مرگ یا آزادی". بدون آزادی انتخاب یا اختیار، هیچ اخلاقی، هیچ انصافی، هیچ فضیلتی، هیچ عدالتی و هیچ حقیقتی وجود نخواهد داشت که آنها را متمایز سازد!

این قدرت عالی «آزادی انتخاب» در بالاترین نقطه تکامل آگاهی و شناخت، انسان را قادر میسازد تا از غرایز حیوانی که طی صد هزار سال گذشته هیچ موجود دیگری در آن با ما شریک نیست، فراتر رود و تقریباً به طبیعت ثانوی انسان معاصر مبدل شود. نوع دوست بودن بر اساس فرضیه همدلی- نوع دوستی یا مهربان بودن به عنوان غریزه عالی جدایی ناپذیر انسانی در نهایت به طبیعت دوم اکثریت انسانها تبدیل شده است. [3]

ط: پوهاند، جان. ج. مٹوساکه، پوهنتون کالیفورنیای جنوبی

"بگذارید مردم حکومت کنند: چگونه دیموکراسی مستقیم می تواند با چلنج پوپولیستی مقابله کند" (۲۰۲۰)

نکات مهم: جان مٹوساکه [4] پروفیسور اقتصاد، امور مالی، حقوق و علوم سیاسی در پوهنتون کالیفورنیای جنوبی، لاس آنجلس است. قبل از بحث بر روی سهم بزرگ جان مٹوساکه، در وضعیت روبه ضعف کنونی، تحقیقات ما در مورد دیموکراسی های لیبرال در سراسر جهان، ما را نیز به نتایج مشابه به نتیجه گیری جان مٹوساکه رسانده است. با آغاز کتاب او شروع می کنیم: **قسمت اول:** پس از سی سال تدریس و تحقیق در زمینه رفراندوم دیموکراسی مستقیم، تشخیص های او برای بیماری های دیموکراسی های جهان قطع ارتباط مردم عادی با حکومتات شان است: الف) توسط بخش اداری دولت قطع شده، ب) توسط محاکم قطع شده و ج) توسط قوه مقننه قطع شده. همانطوریکه در پاراگراف بالا ذکر است مؤلف نیز با تشخیص «پوهاند مٹوساکه» از بیماریهای دیموکراسی موافق است. وی می گوید که آنچه در بحث در باره دیموکراسی های معاصر گم شده است دلیل کمبود و کاستی های آنهاست. ما ممکن است با انجیری معکوس بتوانیم، علت تقریبی بیماری و یا بیماریهای آنها را پیدا کنیم. این یک واقعیت است که یک جنبش سیاسی در میان برخی از مردم وجود دارد که بنام «پوپولیزم» یاد میشود که نه به اندازه کافی شناخته شده و نه بطور گسترده مورد بحث قرار گرفته است.

اما ابتداء باید بپذیریم که " دیموکراسی ها، سرگردان و بی هدف اند" چنانچه در بخش فوق ما در اختصار از تحلیل دقیق پوهاند ایلیم دیدیم که دیموکراسی های اروپایی چه مشکلاتی را دارند. ما فکر می کنیم که اگر ابتداء «پوپولیزم» را مورد بحث قرار دهیم، می توانیم به عنوان مظهر نارضایتی مردم عادی و نارضایتی شان از آن دیموکراسی ها، مشکلات دیموکراسی غرب را بهتر درک کنیم. [5]

«پوهاند مٹوساکه» در کتاب خود، استدلال های را برای دیموکراتیک تر کردن دولت ها، تبدیل شدن شان را به عنوان حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم، مطرح میکند! در بالا از سه گسست اصلی بین رأی دهندگان و دستگاه های

3 - Batson, C. Donald, *Altruism in Humans*, New York: Oxford University Press. 2011.

4 - John Matsusaka

5 - Matsusaka, John G. *Let The People Speak: How Direct Democracy Can Meet the Populist Challenge*. Princeton University Press. NJ, Oxford, 2020.

قوای ثلاثه حکومت یعنی قوای مقننه، قضائیه و مجریه ذکر کردیم؛ چنین به نظر میرسد که این گسست منجر به نارضایتی شهروندان توأم با احساس محرومیت، مهاجرت، سلب مالکیت، درماندگی و ناامیدی شده و نتیجه آن در شعار شان " همه چیز علیه ما درست شده است" منعکس می شود. این منشاء خشم پوپولیزم هاست! طبعاً بدون آگاهی حاکمان از نیاز ها و خواسته های حکومت شونندگان، مردم به جوش می آیند و آنرا با عصبانیت و رفتار غیر منطقی ابراز می کنند! به گفته «پوهاند مخوساکه»، این را می توان با بستن شگاف بزرگی که بین ضروریات و خواسته های مردم وجود دارد بصورت منطقی پاسخ داد نه آنکه دولت به آن پاسخ مخالف بدهد و کار را به اصطلاح به "متخصصان بسپارد و با آن بیروکراسی و ناکارایی را گسترش دهد. چنین پاسخی به جای اینکه به آنها فرصت بیشتری برای مشارکت در حکومت شان بدهد، حقوق بیشتری را از مردم سلب می کند! این امر ممکن است با ایفای نقش بیشتر مردم در تصمیم گیری در مورد مسائل مشترک مردم، خواسته ها و نیاز های آنان، تنها با افزایش جنبه های ریفراوند - دیموکراسی حاکمیت امریکا که ترکیبی است از ریفراوند دیموکراسی مستقیم آن و دیموکراسی غیر مستقیم نماینده رومن، محقق شود. ارائه فرصت بیشتر به شهروندان برای ریفراوند، افزایش تعداد درخواستی اصلاحیه ها از جانب شهروندان که برایش رأی بدهند، همانطوریکه در حال حاضر در بیشتر از ایالات انجام میشود ولی به ندرت به سطح دولت فدرال بوقوع می پیوندد. توازن قوا باید با مردم و حکومت تقسیم شود که می توان با افزایش فرصت ریفراوند با مشارکت مردم به آن نایل شد. [6] همین استدلال توسط (رابنسن و اسیمولگو [7] - 2020) در کتاب شان بنام: " راهرو باریک: ایالات، جوامع و سرنوشت آزادی [8]" ارائه شده است. [9]

چنین سیاست دیموکراتیک گسترده تر، ممکن است ناکارآمدی های بیروکراسی های خیلی توسعه یافته دیموکراسی ها را عمدتاً دیموکراسی نماینده امروزی را از بین ببرد. فرصت های بیشتر برای ریفراوند مردمی در غرفه های انتخابات، شرکت شهروندان در حکومت را بصورت قطعی افزایش می دهد. این پاسخ مستقیم و مناسب به خواسته های مردم خواهد بود و اجازه می دهد که قانونگذاری با رأی مردم انجام شود؛ این نه تنها باعث میشود که آنها احساس قدرت و رضایت بیشتری کنند بلکه ممکن است مولدیت شانرا در بلند بردن معیار های زندگی شان افزایش دهند. مؤلف، مطالعه این کتاب مفید را به همه سیاستمداران، حقوقدانان و اعضای مؤسسات اکادمیک توصیه می کند. من با «پوهاند مخوساکه» مکاتبه دارم، اوشان به من اجازه داده اند که برخی از نقل قوی های مفید شانرا که به این جا مرتبط اند خدمت تان ارائه کنم." بگذارید مردم حکومت کنند. [10]

6 - Ditto

7 - Acemoglu & Robinson, 2020

8 - The Narrow Corridor: States, Societies, and The Fate of Liberty

9 - Ditto

10 - Matsusaka, John G. *Public policy and the initiative and referendum: a survey with some new evidence*. Literature Survey. Springer Science+Business Media, LLC, Published online, 2017.

- ۱) «من استدلال می‌کنم که ما باید برای تقویت قدرت مردم گام برداریم»
- ۲) «ما باید شک کنیم که تکنوکرات‌ها می‌توانند به عنوان داوران بی‌طرف در تعقیب برخی از تصورات عینی برای خیر عمومی جامعه مانند شاه فیلسوف افلاطون عمل کنند.»
- ۳) «مسیر پیشروی ما باید شامل مشوره عمومی بیشتر از طریق ریفاندوم، و نهاد‌های موجود دیموکراسی نماینده باشد.»
- ۴) «در نهایت، خود مختاری به این معناست که هر حکومتی باید حکومت خود را طراحی کند تا بتواند پاسخگوی نیازهای خود باشد.»
- ۵) «هیچ چیز به دیموکراسی نفع رسانده نمی‌تواند مگر اینکه مردم قواعد و قوانین شانرا تازه تر سازند، تأریخ و شواهد همه به آنها می‌گوید که آنها می‌توانند کارها را بهترتر انجام دهند.»
- ۶) «ما به اندازه کافی در مورد دیموکراسی مستقیم میدانیم تا از انجام درست آن مطمئن باشیم. وقت آن فرا رسیده تا مردم حکومت کنند.» [11]

«امتتان : توسط «جو مٹیوس» [12] رئیس مشترک انجمن دیموکراسی مستقیم جهانی؛ «جان مٹوساکه» محقق برجسته امریکا در باب دیموکراسی مستقیم یک مورد بسیار نیرومند را برای جهان مطرح می‌کند : منتقدان امروزی دیموکراسی را نادیده نگیرید. آنها را در کار تقویت قدرت دیموکراتیک شهروندان عادی در همه جا درگیر سازید. این یک کتاب عالی است.» [13]

ی : پوپولیزم به عنوان یک جنبش سیاسی

«مودی» و «روویرا کلت و سر» [14] استدلال می‌کنند که پوپولیزم یک پدیده مدرن است. پوپولیزم یک جنبش سیاسی نسبتاً مدرن است که خود پوپولیزم‌ها آن را کاملاً درست نمی‌دانند، ولی به نقاط ضعف و جنبه‌های فاسد دیموکراسی‌های لیبرال حمله می‌برند. اینتیمولوژی یا ریشه‌شناسی کلمه «پوپولیزم» از کلمه لاتین (حمایت از مردم) (مفرد: پوپولارس و

11 - Ditto

12 - Joe Mathews

13 - Ditto

14 - Mudde and Rovira Kaltwasser

جمع آن : پوپولاریسم^[15]) گرفته شده که در اواخر جمهوری روم محبوب آرمان های مردم عادی (پلیبی ها ^[16]) بود. [17] در دهه ۱۸۰۰م یک جنبش پوپولیستی در میان جناح های چپ دهاقین در ایالات متحده آمریکا ظهور کرد. پس از رنگ باختن این جنبش، این اصطلاح به جنبش ادبی فرانسه در دهه ۱۹۳۰م اطلاق شد. دو باره در دهه ۱۹۶۰م از این اصطلاح برای جنبش های سیاسی استفاده شد که بدنبال جمع آوری آنچه مردم عادی بودند که احزاب مستقر (نخبه گان) نگرانی های شانرا نادیده می گرفتند. اما در عین حال برای عوامفریبی غیرمنطقی یا ساده انگارانه نیز استفاده میشد. جنبش های «مردمی» این مردم، در گذشته با ناسیونالیزم (ایتالیای موسولینی)، نژاد پرستی (فاشیسم هیتلری آلمان و اپارتاید افریقای جنوبی) و اغلب توسط کشور های که دارای سوسیالیزم مطلقه بوده اند ترکیب شده است. بنابر این «پوپولیسم» به جای داشتن جهت گیری ایدئولوژیک، مردم - محور است. در علوم اجتماعی و سیاسی معانی ضمنی با بار معنایی متفاوتی وجود دارد که برخی از صاحب نظران نیز پیشنهاد کرده اند که این اصطلاح باید به کلی رد شود.

پس از استقرار جمهوری آمریکا، پوپولیسم با حزب مردم، و در امپراتوری روسیه تزاری به عنوان یک جنبش سوسیالیست دهقانی (نرودیک) ارتباط تنگاتنگی داشت که سرکوب شد. این اصطلاح در دهه ۱۹۶۰م در کشور های غربی در میان دانشمندان علوم اجتماعی محبوبیت پیدا کرد و برای احزابی بکار رفت که در لیبرال دیموکراسی ها فعال بودند. باید بخاطر داشت که این اصطلاح برای هر دو جناح چپ پوپولیسم و همچنین پوپولیسم دست راستی اطلاق میشود.

جنبش امروزی پوپولیسم باید یک بار دیگر به عنوان یک جنبش سیاسی شناخته شود که نیاز به پرداختن و مطالعه دارد. این اصطلاح در قرن بیست و یکم، اغلب در مباحثات سیاسی در آمریکا و اروپا برای توصیف گروه های چپ، راست و میانه رو، که سیستم های حزبی سیاسی خوب سازمان یافته را به چلنج می کشانید مورد استفاده قرار گرفت. مردمان عادی پوپولیست معتقد اند که «سیستم» علیه آنها «تقلب» نموده است! آنها از نظام، از طرف احزاب سیاسی و دولتها که آنها را «نخبه گان» و منحیث دشمنان مردم می دانند احساس بی حقوقی و بیگانگی می کنند! آنها عصبانی اند و احساس می کنند که همیشه غارت شده اند، از آنها به عنوان ابزار و وسیله برای انتخابات استفاده شده است، و پس از مدت کوتاهی دور انداخته شده و فراموش شده اند. نخبگان نظام این را یک مشکل ساده ناشی از خشم مردم عادی فکر می کنند که از احساس گرای و غیر منطقی بودن شان منشاء می گیرد و به کمبود های خود شان مربوط می شود، قادر به حفظ گام گذاری با مقتضیات زمان نیستند و از روبات سازی و دیجیتالی شدن صنایع عقب مانده اند. آنها نمی دانند که خشم، احساسات گرای و غیر منطقی بودن آنها بسیار پیچیده تر از پیشرفت سرسام آورد علم و تکنالوژی است. نخبگان با این تفکر شان کنترل بیشتری را به تکنوکراتهای به اصطلاح عاقل و باثبات در نظام مستقر، بیشتر به مقامات دولتی اعم از قضات، مأمورین و غیره واگذار می کنند و ناآگاهانه حکومت را کمتر دیموکراتیک می سازند. بزرگترین نگرانی ما باید تجزیه و تحلیل علل این نارضایتی و عدم ارتباط و یافتن راه ها برای اصلاح آنها باشد، نه تنها به خاطر دیموکراسی امریکایی بلکه

15 - Populares, singular popularis

16 - plebeians

17 - Mudde, Chas; Rovira Kaltwasser, Cristóbal (2013). "Exclusionary vs. Inclusionary Populism: Comparing Contemporary Europe and Latin America". *Government and Opposition*. 48 (2): 147–174. doi:10.1017/gov.2012.11 117

به خاطر سائر ديموکراسی ها تا اطمینان حاصل کنیم که حقوق اولیه انسانی تضمین شده خود را یعنی زندگی، آزادی و تلاش برای خوشبختی را از دست نمی دهند. [18]

بقیه دارد

فصل هشتم

بیماری های کنونی ديموکراسی ها



آرشيف: مقالات يوهاند بشير احمد زکريا

¹⁸ - Emmenegger, P., Leemann, L. Walter, A. *Coalition size, Direct Democracy, and Public Spending*. Journal of Public Policy. University of Zurich. DOI: <https://doi.org/10.1017/s0143814x20000306>. 2020. Permissions for Publication have been obtained.

د پانو شمېره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لېکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لېکنه له رالېرلو مخکې په ځير و لولئ